قدس
رواق
ویژه فرهنگ و معارف رضوی
| سال دوم | ویژه نامه ۴۳۱ |

نکته‌ها/ آیت‌الله مجتبی تهرانی
استجابت دعا دیر و زود دارد سوخت و سوز ندارد
۲

در یک میزگرد مطرح شد
بازسازی حافظه جمعی شیعه در اربعین
۳

آموزه‌های عاشورا، دستمایه نخستین قیام شیعیان عراق علیه رژیم بعث
«انتفاضه اربعین» چگونه شکل گرفت؟
۴

۵ رکن اصلی آداب زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام
۲

حجت‌الاسلام مهدی‌زاده در گفت‌وگو با قدس از شیوه درست تنظیم‌گری مراسم اربعین و اهمیت آن در رویارویی با رخدادهای آینده می‌گوید

صیانت از شبکه مردمی اربعین

۲

عکس رضوی- مهدی جهانگیری

با پشتیبانی از گروه‌ها و مجموعه‌های بانوان شهر مشهد محقق می‌شود

قرارگاه مردمی «نجمه خاتون» میزبان زائران دهه آخر صفر

در روزهایی که مشهدالرضا(ع) مهیای حضور پرشور زائران دهه آخر صفر می‌شود، مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی قرارگاه مردمی «نجمه خاتون» را برپا کرده تا با پشتیبانی از گروه‌ها و مجموعه‌های بانوان شهر مشهد، شرایط میزبانی شایسته از خیل زائران را فراهم کند. مراسم آغاز فعالیت این قرارگاه دیروز با حضور معاون هماهنگی مدیریت امور زائران استانداری خراسان رضوی و ۷۰ نفر از بانوان فعال فرهنگی اجتماعی مشهد از ...

۴

گزارشی از فعالیت‌های موکب آستان قدس رضوی در کربلا

این خیمه با عشق پابرجاست

طاهره فجرداودلی | از تل زینبیه که برای زیارت حرم امام حسین(ع) می‌روی، باید از میان صحن عقیله بنی‌هاشم(س) بگذری. صحنی که در این روزها میزبان خیل عظیم زائران و موکب‌های خدمت‌رسانی اربعین است. در میانه‌های صحن و بین موکب‌های تماماً سیاهپوش، موکب بزرگی با پرچم‌های آویخته یا اباعبدالله الحسین(ع) و آستان قدس رضوی خودنمایی می‌کند. دربانان سبزپوش آستان قدس رضوی در همراهی با اعضای خیریه آذربایجانی‌های مقیم محله شهید کامیاب مشهد در حال بار گذاشتن دیگ‌های غذا برای وعده شام هستند. هر کسی عهده‌دار کاری است. یکی برنج‌های خیس خورده را می‌آورد و دیگری مخلفات برنج را آماده می‌کند و... .

■ جز زیبایی چیزی نمی‌بینیم

حاج‌مقصود ایرانمنش، مسئول و بانی خیریه آذربایجانی‌های مقیم مشهد که سفیدی بر موی سر و صورتش نشسته درباره عشقش به ائمه(ع) می‌گوید: حضرت زینب(س) با همه سختی که در کربلا دیدند وقتی از ایشان درباره مصیبت کربلا پرسیدند پاسخ دادند: «جز زیبایی چیزی ندیدم»، حالا اینجا هم با همه گرما و کمبود امکاناتی که هست جز زیبایی، رحمت و نگاه ائمه(ع) چیزی وجود ندارد و ما با افتخار خادمی و نوکری امام حسین(ع) را می‌کنیم.

او در ادامه درباره نحوه خدمت‌رسانیشان عنوان می‌کند: موکب ما به صورت ۲۴ساعته خدمت‌رسانی می‌کند و در هر وعده تنها نیم ساعت برای نماز تعطیل است. شب‌ها تا صبح برنامه داریم، وعده‌های غذایی که تمام می‌شود شروع به توزیع میان‌وعده می‌کنیم. خدمه موکب که ۲۲۰نفر هستند را شیفت‌بندی کرده‌ایم و در هر شیفت حدود ۴۰نفر در بحث تهیه و توزیع غذا و سایر اقلام کمک می‌کنند. معمولاً صبحانه ما تا ساعت ۸صبح طول می‌کشد و پس از اتمام صبحانه تا اذان ظهر اقدام به توزیع شربت و بسته‌های متبرک می‌کنیم و در سایر وعده‌ها هم به همین طریق البته با میان‌وعده متفاوت مثلاً توزیع انواع میوه را دنبال می‌کنیم.

■ از دهه کرامت شروع شد

ایرانمنش که هم خیریه‌اش به وسعت ایران کار خیر انجام داده و هم در گذشته حضوری فعال در خدمت‌رسانی به زائران کربلا داشته است، ادامه می‌دهد: خدمت ما در اربعین به این ۱۰روز ختم نمی‌شود. ما از دهه کرامت در حال برنامه‌ریزی برای این مناسبت هستیم و در این مدت به دنبال بانیان کار، جمع‌آوری وسایل، تدارک الزامات و هماهنگی با نیروها برای خدمت‌رسانی بوده‌ایم و توانستیم ۱۷میلیارد کمک مردمی برای برپایی موکب جمع‌آوری کنیم.

وقتی درباره موقعیت مکانی موکب سؤال می‌پرسی می‌گوید: در حرم امام حسین(ع) در صحن عقیله بنی‌هاشم(س) مستقر هستیم که ساخت همین صحن داستان جالبی دارد. در سال ۸۹ وقتی شهید سلیمانی به کربلا مشرف شدند وقت زیارت حرم امام حسین(ع) دستشان گرد و غبار نشسته روی ضریح را لمس می‌کند. همان جا تصمیم می‌گیرند که کار بازسازی عتبات عالیات را شروع کنند. وقتی وارد تهران می‌شوند ستاد بازسازی عتبات عالیات را راه‌اندازی می‌کنند. این قسمت که حد فاصل تل زینبیه و حرم امام حسین(ع) است سابق بر این مغازه و بازار بوده که توسط ستاد بازسازی عتبات عالیات خریداری و صحن عقیله بنی‌هاشم(س) در آن ساخته شد و اکنون موکب آذربایجانی‌های مقیم مشهد با مشارکت دربانان حرم مطهر رضوی در این محل خدمت‌رسانی می‌کنند.

حاج‌مقصود ایرانمنش در پایان به حضور تولیت آستان قدس رضوی در موکبشان اشاره می‌کند و می‌گوید: جا دارد از تولیت آستان قدس رضوی حاج آقای مروی تشکر کنم که زحمت کشیدند و در این هوای گرم با ازدحام زائران در موکب ما حضور پیدا کردند و قوت قلبی برای ما و همه خادمان شدند و امیدوارم خداوند طول عمر به ایشان بدهد که همیشه مشوق ما در کار خدمت‌رسانی هستند. گرمای هوا، بی‌خوابی، خستگی و سختی موجب می‌شود افراد بی‌حوصله شوند و ما سعی می‌کنیم با لیوان آب یا شربت، میان‌وعده و وعده‌های غذایی، کمی از رنج سفر کم کنیم. این موکب به همت کمک‌های مردمی و عاشقان اباعبدالله الحسین(ع) و امام هشتم(ع) برپاست و امیدواریم بتوانیم نوکری امام حسین(ع) را به جا بیاوریم. مردم ما مشتاق زیارت ائمه(ع) هستند و باید کرامت زائران حفظ شود.

■ عشق به امام(ع) وصف کردنی نیست

بوی برنج آبکش شده و عدس فضای موکب را پر کرده است. آقا صبور ۵۲ساله با چای و دمنوش بین آشپزها و خدمه می‌چرخد تا هر که خواست گلویی تازه کند. او درباره حضورش در کربلا و وظیفه‌اش در موکب عنوان می‌کند: ۲۲روزی است که در کربلا هستم و چای و دمنوش دست خدمتگزاران به امام حسین(ع) در موکب می‌دهم تا بتوانند با قوت و انرژی کار کنند. گرمای هوای اینجا خیلی طاقت‌فرساست اما عشق به امام حسین(ع) وصف‌شدنی نیست و دوری و دلتنگی از خانواده و سختی کار نمی‌شناسد و یک نگاه به گنبد حرم اباعبدالله الحسین(ع) هر مسئله‌ای را حل می‌کند.

علی‌اکبر اشراقی از دیگر خادمان سبزپوش موکب است. او می‌گوید: به لطف امام حسین(ع) من خستگی نمی‌شناسم و از ۲۴ساعت، ۴ساعت استراحت می‌کنم و در بقیه ساعات خدمت‌رسانی به زائران کربلا را انجام می‌دهم. روزی افزون بر ۱۵هزار وعده غذا در وقت شام، ناهار و صبحانه توزیع می‌کنیم که به نظرم فرصت خدمتگزاری محدود است و خستگی معنا ندارد.

خادم اهل‌البیت(ع) که باشی فرقی نمی‌کند که کجای دنیا خدمت کنی، چند قدمی حرم اباعبدالله(ع) یا شهر امام مهربانی‌ها امام هشتم(ع) برایت یکی است. مهم این است با خدمتت دلی را به اهل‌البیت(ع) وصل کنی.

عکس رضوی- ایمان جنتی

منبر مجازی

حقیقت زیارت

حجت‌الاسلام مرتضی جوادی آملی | اربعین پیام بسیار مهم و بزرگی همراه دارد و در حقیقت استمرار و ادامه حرکت عاشورایی سالار شهیدان را بایستی در اربعین جست‌وجو کرد. اما برای تبیین مسئله اربعین لازم است بدانیم معنای زیارت چیست؟ چون عملاً زائر اربعین سالار شهیدان می‌رود تا او را زیارت کند. مراد از زیارت این است که زائر قلب، عقد، نفس و آینه وجودش را به سمت آن حقیقت بگرداند تا آنچه در حقیقت آن منظور وجود دارد در قلب، عقد، نفس و آینه جان انسانی بتابد.

پس حقیقت زیارت همان ارادت و معرفت قلبی و عقدی است. علی(ع) در خصوص قد قامت الصلاه فرمودند: وقتی انسان مسلمان اقامه و قد قامت الصلاه می‌گوید یعنی وقت زیارت و مناجات با پروردگار عالم رسیده است. در این حالت روشن است که انسان در حال زیارت قلب، روح، جان و نفس خویش را به سمت پروردگار عالم نگاه می‌دارد تا جلوه‌های ربوبیت پروردگاری در جان عبد رسوخ کند و انسان با نورانیت وجود الهی بتواند زندگی، معیشت و معاد خود را تأمین کند.

در اربعین سالار شهیدان هم این نکته وجود دارد، انسانی که به سوی زیارت امام حسین(ع) حرکت می‌کند، باید این هدف را مدنظر قرار دهد که با اندیشه، روح، شعارها و آرمان‌های امام حسین(ع) بیعت کند و دل و جانش را فرو بسپارد و خود را در گرو آن عزیز قرار دهد. همان طور که جابر بن عبدالله انصاری نخستین زائر حرم سالار شهیدان حسین بن علی(ع) بود و خود را در مقابل امام حسین(ع) این گونه می‌دید. جابر بن عبدالله انصاری به عنوان نخستین زائر حرم امام حسین(ع) در عمل، مرام و آیین خود را شریک حضرت می‌دانست و بیان می‌کرد با همه اصحاب و یارانی که در رکاب امام حسین(ع) به شهادت رسیدند همراه، همفکر و همدل است و مسیر وجودی و زندگی او با آنان همراهی و همدمی دارد که حتی عطیه بن سعد از این مسئله به شگفت آمد و جناب جابر بن عبدالله انصاری در مقام پاسخ به این شگفتی و تعجب جناب عطیه فرمود: «من از حبیبم رسول‌الله(ص) شنیدم که اگر کسی قومی را دوست داشته باشد با آنان محشور می‌شود و اگر عمل قومی را بپسندد، با آنان شریک خواهد بود».

با این سخنان ارزشمند، جابر بن عبدالله انصاری پیش از اینکه راهپیمایی یا پیاده‌روی کند، همدلی، همفکری و همراهی خود را با امام حسین(ع) اثبات کرد و پس از آن، مسیر از مدینه به کوفه و کربلا را طی کرد. بنابراین بر ما هم لازم است که بتوانیم این همدلی و اندیشه بلند امام حسین(ع) را پیدا کنیم.

نذر ارباب

به تو از دور سلام

رقیه توسلی | شماره‌اش که می‌افتد روی گوشی‌ام می‌گویم حتماً زنگ زده برای حلالیت... از آن طرف صدایی اما خسته و بی دل و دماغ می‌گوید: می‌بینی بازم قسمت نشد. والا من گناهکار کجا، کربلا کجا؟ دو سال پیش که بابام رفت به رحمت خدا گفتم حتماً مشیت بود که نرم، امسال چی؟ کوله‌ام که بسته بود، مرخصی که ردیف شد، پیش پیش به همه گفتم راهی‌ام، دعاگویم، می‌خواهم نائب‌الزیاره بابا باشم... .

بعد بی‌خداحافظی موبایل را می‌دهد به مهتاب. او هم دست‌کمی از لیلا ندارد. می‌گوید: بچه‌ها دلشون شکسته خیلی... کجایی؟ فکر کنم تو چشممون کردی از همون وقت که قرعه به اسمت درنیومد.

لبخند به لب می‌گویم: قشنگ معلومه دیوار کوتاه‌تر از من پیدا نکردید. قضیه چیه؟

می‌روم سروقت واتس‌آپ. کی صد و خورده‌ای پیام گذاشته‌اند توی گروه که من ندیدم. اطلاعیه را می‌بینم؛ «به استحضار عزیزان می‌رساند به علت بسته شدن مرز و جلوگیری از ورود اتوبوس‌ها و ازدحام جمعیت و گرمای شدید هوا و نبود امکانات و شرایط، برنامه اعزام کاروان خبرنگاران به سفر زیارتی اربعین لغو شده است. لذا از همه بزرگواران پوزش می‌طلبیم».

گردنم کج می‌شود و احساس همدردی می‌کنم با همکارانم. حق می‌دهم به لیلا و مهتاب و خانم هاشم‌پور و باقی بچه‌ها که دپرس باشند. عجب پیشامد ناخوشایندی! غمگینی هم دارد واقعاً. اما همین که شماره لیلا را می‌گیرم، یاد آن سالی می‌افتم که با خانجان رفته بودیم تعزیه. یاد او که بعد از پایان اجرا، اولین بسته ظرف نذری را داد دست آقای شمر. دست بازیگر نقش شمر. بیشترین خسته نباشید و خداقوت را هم به او گفت. بعد یاد اشک‌های شمر می‌افتم که رو به ما قسم خورد من آدمِ این خنجر و این لباس قرمز لعن شده نیستم حاج‌خانم. من امام حسینی‌ام... .

هیچ وقت حرف قشنگ خانجان در آن لحظه فراموشم نمی‌شود.

گفت: داشتم شما و مردم را تماشا می‌کردم. شمری که برای نقشش کتک بخورد، لعنت بشود، اشک بریزد، فراق بکشد، زخم بخورد، حُرّ است باباجان. اجرت با سیدالشهدا(ع). شمر کجا بود؟ شما عاشقید.

سنجاق: هر که از عشق تو دیوانه نشد، عاقل نیست

کتابخانه

معناشناسی راهپیمایی اربعین در یک کتاب

رواق | سلسله نشست‌های «تکیه کتاب» با محوریت نهضت حسینی در خانه کتاب و ادبیات ایران در حال برگزاری است و یازدهمین نشست از این سلسله برنامه‌ها با عنوان «نگاهی به سفرنامه‌های پیاده‌روی اربعین»، ۱۹شهریور ماه در خانه کتاب و ادبیات ایران، سرای اهل قلم با حضور غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزار شد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) حداد عادل در این نشست ماجرای نوشتن این کتاب را این‌گونه روایت می‌کند.

مثل خیلی از مردم در این سال‌های اخیر که راهپیمایی اربعین پیاده‌روی بیشتر شد همراه با کاروانی با هواپیما به نجف رفتم. در کوله‌پشتی خود دفترچه‌ای بود و فرصت داشتم در ساعاتی که بقیه کاروان در خواب بودند، حس و حال خودم را از این راهپیمایی بنویسم و در طول چند روزی که مسیر بودیم مطالب اصلی کتاب نوشته شد. این کتاب یک سفرنامه معمولی نیست زیرا بسیاری از سفرنامه‌ها شرح وقایع سفر از جمله اینکه چه‌خوردیم و چه کردیم و چه ساعتی فرود آمدیم است، اما کتاب من، سفرنامه‌ای به آن معنا نیست بلکه یک نوع معناشناسی از دین و راهپیمایی اربعین است.

معتقدم این راهپیمایی در دو سطح باید ریشه‌یابی و واکاوی شود. در سطح نخست ارتباط این راهپیمایی با انقلاب اسلامی و سپس ارتباط راهپیمایی و انقلاب اسلامی با قیام سیدالشهدا. یعنی در واقع در این کتاب تلاش کردم یک ساختمان سه طبقه را روی هم بنا کنم که سطح بالای آن راهپیمایی است.

معنای پنهان و آشکار پشت این صورت را باز کنم. همه این‌ها اجزای یک منظومه فکری است. یعنی مطالب موزائیک‌وار طرح نشده بلکه تار و پود فرشی است که می‌خواهد نقشی را بیان کند.

این کتاب دارای یک پیشگفتار کوتاه و پنج فصل اصلی است. اسم این کتاب را از تذکرة‌الاولیای عطار وام گرفتم؛ کسانی که با ادبیات عرفانی آشنا باشند می‌دانند یکی از مهم‌ترین کتاب‌های زبان فارسی در اواخر قرن ۷ هجری قمری، تذکرة‌الاولیای عطار است که نثر فارسی پر تپشی دارد و آن عشق و شور عرفانی در قلم عطار موج می‌زند. ضمن اینکه مرجعی در ادبیات عرفانی نیز محسوب می‌شود.

من یک پایان احساسی درباره پدیده‌ای که فقط تصویرش را از تلویزیون و فضای مجازی دیده بودم نوشتم. اما در سفری که داشتم شهود و حضوری که پیدا کردم سبب شد حال سبب آن به من نفع برساند و سودبخش باشد. حضرت در جواب فرمود: «ذکر الموت یسلّک عن الدّنیا»؛ زیاد به فکر مرگ باش، چرا که یاد مرگ تو را از وابستگی به دنیا وامی‌هاند. آنچه موجب می‌شود علاقه انسان به دنیا زیاد شود و مدام به این علاقه افزوده شود، غفلت از کوچ، از این نشئه به نشئه دیگر است. هر چه غفلت بیشتر، وابستگی انسان به دنیا بیشتر است و هرچه این به اصطلاح ما غفلت، شکسته شود وابستگی کم می‌شود و رهایی پیدا می‌کند. بنابراین آنچه غفلت‌شکن است، یاد مرگ است.

دوم اینکه: «و علیک بالشّکر فإنّه یزید فی النّعمه»؛ بر تو باد به اینکه شکر خدا را کنی که شکر الهی، افزودگی به نعمت‌های الهی است و بر نعمت می‌افزاید. کما اینکه متن آیه شریفه هم همین را می‌گوید. سوم: «و أکثر من الدّعاء،» زیاد دعا کن. ما این‌جوری هستیم. چند دقیقه پیش کسی گفت هرچه دعا کردیم نشد، دیگر ولش کردیم. این را به خود من گفت. به او گفتم تو اشتباه کردی... «و أکثر من الدّعاء،» زیاد دعا کن، مرتب از خدا بخواه، خدا خسته نمی‌شود.

کوش می‌کنی؟ تو خسته می‌شوی؛ اما خدا خسته نمی‌شود. او می‌فهمیم. از روایت همین معلوم می‌شود که دعا سوخت‌وسوز ندارد! ما دیر و زود، چیزٌ دارد. «فإنّک لا تدری متی یستجاب لک» تا می‌توانی دعا کن. توجه کنید و این مسلماً به اجابت خواهد رسید. ان‌شاءالله.

پی‌نوشت: اصل روایت که در جلد ۷۴ بحارالانوار، ص۱۳۸ آمده، به این صورت است: «و قال له رجلٌ أوصنی بشیء، بنفعنی الله به، فقال صلّی الله علیه و آله و سلّم أکثر ذکر الموت یسلک عن الدّنیا و علیک بالشّکر فإنّه یزید فی النّعمه، و أکثر من الدّعاء، فإنّک لا تدری متی یستجاب لک».

نکته ها

آیت‌الله مجتبی تهرانی

استجابت دعا دیر و زود دارد

سوخت و سوز ندارد

شخصی خدمت پیغمبر اکرم(ص) عرض کرد: «أوصنی بشیء، ینفعنی الله به»؛ به من سفارشی بفرمایید که خداوند به

هر کس کینه را از خود دور کند، قلب و عقلش آسوده گردند.

نیم نگاه

۵ رکن اصلی آداب زیارت سیدالشهدا(ع)

اگر زائر بخواهد از بالاترین اجر زیارت برخوردار شود و از نظر روحی لذت کامل ببرد و از نظر عملی نیز تغییر در رفتار پیدا کند، راهکارش آشنایی با آداب زیارت و مؤدب شدن به این آداب است. هرچند در روایات نزدیک به ۳۲ ادب برای زیارت آمده اما حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدتقی قادری دریادداشتی که در پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ منتشر کرده تلاش کرده تنها پنج مورد را که رکن اصلی و مادر بقیه آداب محسوب می‌شوند شرح دهد که در ادامه می‌خوانید.

۱-معرفت به صاحب قبه

نخستین ادب از آداب زیارت، «معرفت» زائر به جایگاه و مرتبه والای قبر، ملکوتی و غیبی «مزور» و صاحب قبه‌ای است که به زیارتش تشرف پیدا کرده است. یعنی زائر به این باور قلبی و معرفتی رسیده باشد که:

نخست: صاحب قبه و «مزور» که به زیارتش شتافته از نظر قدسی و ملکوتی در این جهان و تقرب به خداوند متعال، مظهر تجلی اسماءالحسنی و آینه تمام‌نمای صفات جمال و جلال الهی است؛ آن هم به‌گونه‌ای که «مزور» هرچند خداوندگار نیست ولی خداوند کار است و بسیاری از کارهای نشدنی به اذن الهی به برکت آنان شدنی می‌شود که در توصیفشان در زیارت جامعه آمده است: «بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزل الغیث؟ و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه و بکم ینفسخ الهم و یکشف الضر».

دوم: هر چند صاحب قبه در ظاهر میان ما نیست و ما اورا در برابرمان نمی‌بینیم و سخن وی را نمی‌شنویم ولی به حکم آیه شریفه مبارکه «ولاتحسبن الذین قتلوافی سبیل الله...» غیب و شهادت، ممات و حیات آنان یکسان است؛ همان‌گونه که در زندگی دنیوی ما را می‌بینند و سخن ما را می‌شنوند و بر مکنونات قلبی واقف‌اند و خواسته‌های مشروع ما را برآورده می‌کنند در حیات برزخی نیز این‌گونه‌اند، سلام ما را می‌شنوند و پاسخ داده و خواسته‌های مشروع را به هنگام توسل پاسخ می‌دهند. برای اینکه زائر با چنین باوری تشرف به زیارت پیدا کند به ما آموخته‌اند هنگام تشرف اذن دخول خواسته و این‌گونه بگوییم: «اللهم انی اعتقد حرمه صاحب هذاالمشهد الشریف فی غیبته، کما اعتقدها فی حضرته، واعلم ان رسولک و خلفائک علیهم السلم، احیاء عندک یرزقون، یرون مقامی و یسمعون کلامی ویردون سلامی».

بنابراین زائری که با چنین معرفتی به زیارت می‌رود و باور دارد بین او و صاحب قبه حجاب و حائلی نیست بی‌شک از چنین اُنس و مجالستی حظ و لذت روحی در بالاترین حدممکن می‌برد.

۲-طهارت نفس

دومین ادب از آداب زیارت، «طهارت نفس» و پاکی روحی زائر است. به این معنا غرض و فلسفه زیارت «اتحاد روحی» زائر با صاحب قبه است اگر در این زیارت چنین اتفاقی نیفتد نرفتن زیارت مساوی خواهد بود. اگر بخواهد چنین اتحادی به وجود بیاید، لازمه‌اش «سنخیت روحی» بین زائر و مزور خواهد بود و این سنخیت، «طهارت نفس» و «پاکی روحی» زائر را می‌طلبد، چرا که:

صاحب قبه به حکم آیه مبارکه «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» و نیز توصیفات زیارت جامعه از هرگونه پلیدی و ناپاکی مبراست و هرزنجر انتظر مکانی هیچ تفاوتی بین مکان‌ها نیست چرا که همه این‌ها مخلوق خدایند ولی اماکن مشبرکه به دلیل اینکه بدن مطهر معصومی چون سید الشهدا(ع) را در خود جا داده‌اند متمایز از همه مکان‌ها شده و از طهارت و قداست خاصی برخوردارند، ازهمین رو در اذن دخول اماکن متبرکه آمده است: «اللهم ان هذه بقعه طهرتها، وعقوه شرفتها، ومعالم زکیتها».

۳-غسل زیارت

سومین ادب از آداب زیارت، «غسل زیارت» است. هدف از این غسل طهارت نفس و پاکیزگی روحی زائر است تا بتواند با مؤدب شدن به این ادب روحی، با صاحب قبه سنخیت پیدا کند؛ چراکه زائر، با غسل زیارت درمی‌یابد وقتی نمی‌تواند با بدن کثیف و چرکین پا به قبه معصوم بگذارد و به وی اذن دخول نمی‌دهند پس یقین پیدا می‌کند قطعاً قلب قفل شده از سنگینی معصیت را اذن دخول نمی‌دهند. هنگام غسل کردن درک می‌کند همان‌گونه که آب جاری قدرت دارد بدن کثیف را نظیف و او را آماده ورود به قبه کند غسل درونی و توبه نیز می‌تواند او آدمی جدید بسازد که سنخیت و اتحاد روحی با صاحب قبه پیدا کند و اذن دخول یابد. ازهمین رو در روایت آمده زائر هنگام غسل این‌گونه دعا کند: «اللهم اجعله لی نورا وطهورا وحرزا، وشفاء من کل داء وآفة وعاهة...».

۴-پا برهنه به سمت قبه رفتن

چهارمین ادب از آداب زیارت به حکم آیه مبارکه «فاخلع نعلیک بالوادی المقدس طوی» آن است زائر کفش را از پا درآورده و پا برهنه به سمت تربت و قبه حرکت کند، چراکه پا به مکانی خواهد گذاشت که به برکت صاحب قبه مقدس و نورانی است و نمی‌توان با کفش وارد شد. بلکه از دور باید پابرهنه گام برداشت تا بتوان اذن دخول گرفت.

ازهمین رو ابوصامت از امام صادق(ع) نقل می‌کند: هر کسی پیاده به زیارت قبر حسین(ع) برود، خداوند برای هر قدمی هزار حسنه نوشته و هزار گناه از او پاک می‌کند و رتبه‌اش هزار درجه بالا می‌رود. پس هرگاه به قدر رسیدی، غسل کن و کفش‌ها را درآور و پابرهنه راه برو؛ سپس وقتی به در حرم رسیدی، چهار بار تکبیر بگو و کمی راه برو و دوباره چهار بار تکبیر بگو. حسین بن ثُویر از امام صادق(ع) نقل می‌کند: زمانی که به زیارت ابا عبدالله(ع) رفتی، پس در نظر فرما غسل کن و سپس لباس‌های پاک بپوش، آنگاه پای برهنه راه برو؛ پس تو در حرم از خدا و حرم پیامبرش هستی و بر تو باد به تکبیر و گفتن لااله الا الله.

۵-غسلین و متأثر

پنجمین ادب از آداب زیارت سیدالشهد(ع) که نشان می‌دهد زائر، خود را در کنار قبه و بارگاه و مزار سیدالشهد(ع) می‌بیند، غمگین و مهموم‌اند و پس است چراکه زائر دربرابر تربتی قرار دارد که صاحب آن در روز شاهد به شهادت رسیدن ۷۲ تن از عزیزانی بود که خود در شب عاشورا در وصفشان فرمود: «اصحابی باوفاتر و بهتر از اصحاب خود و اهل بیتی نیکوکارتر و باصله و پیوندتر از اهل بیت خود سراغ ندارم؛ پس خدا شما را از طرف من به بهترین جزا برساند» و خون نیز با داشتن ذاغ شهادت بچترین عزیزانی در قلب به شهادت رسید. زائر نیز قبه‌ای باید نشان دهد تا چه اندازه مرتبه‌ای به این صاحب قبه نزدیک است و این امکان ندارد مگر شرایط روحی وی پیش از زیارت به تربت سید الشهد(ع) با هنگام رسیدن به تربت متفاوت باشد؛ ازهمین رو در روایت آمده امام صادق(ع) فرمودند: «هرگاه ماخواستی اسام حسین(ع)را زیارت کنی اوزارت کن در حالی که محزون ومکروب ولوبده مبرق و غبارآلود و گرسنه و تشنه لب باشی و ازابعدالله(ع) حوائجت رابخواه وبرگرد و کربلا واطوض خودمگیر».

اگر زائری مؤدب به این آداب باشد و با چنین معرفت مبراست و روحیه بسیار پاک و قلبی شکسته وارد حرم سید الشهد شد و گفت: «السلام علیک یا ابعدالله» نه با گوش دل و قلب بلکه با گوش سر خواهد شنید که حضرت پاسخ می‌دهد «وعلیک السلام»؛ همان‌گونه که وقتی ابراهیم حجاب گفت «السلام علیک یاجدی یا ابعدالله» از داخل مزار و تربت شریف صدا بلند شد «وعلیک السلام یا ولدی».

برش

خطر خالی شدن از معنا

تنظیم‌گری و رگلاتوری اربعین مسئله بسیار مهمی است که اگر درست اتفاق نیفتد، می‌تواند اربعین را از محتوا و معنای اصلی خودش، خالی و با یک صور خالی تبدیل کند. ما نباید اجازه دادیم که این منظور در ابتدا باید بپیسیم ساختاری که اربعین دروز آن قرار می‌گیرد، چه ساختاری یک سفرنامه معمولی نیست زیرا بسیاری از سفرنامه‌ها شرح وقایع سفر از جمله اینکه چه‌خوردیم و چه کردیم و چه ساعتی فرود آمدیم است، اما کتاب من، سفرنامه‌ای به آن معنا نیست بلکه یک نوع معناشناسی از دین و راهپیمایی اربعین است.

حجت‌الاسلام مهدی‌زاده در گفت‌وگو با قدس از شیوه درست تنظیم گری مراسم اربعین و اهمیت آن در رویارویی با رخدادهای آینده می‌گوید

صیانت از شبکه مردمی اربعین

عکس: آرشیو قدس

باید از نظریه شبکه‌ای خاصی که در اربعین وجود دارد و ما ایرانی‌ها حتی بیشتر از عراقی‌ها آن را کشف کرده‌ایم، به‌شدت صیانت کنیم. این یکی از نظریات پیشرو برای ساخت آینده است هرچند هنوز اهمیت این سازمان از لحاظ دولت و جامعه و بازار کشف نشده ولی این نظریه از نظر سازماندهی یکی از دارایی‌های مهم ما در مواجهه با اتفاقات دهه‌های آینده است.

محسن فاطمی‌نژاد |

کمرنگ شدن و رخت بربستن کرونا، تصمیمات و تسهیلات دولت و شوق فزاینده زیارت اربعین از مهم‌ترین دلایل پیش‌بینی حضور۸میلیون ایرانی در مراسم امسال راهپیمایی اربعین در کشور عراق شمرده می‌شود. جمعیتی که اگر محدودیت‌های لجستیکی آن سوی مرز اجازه می‌داد، حتماً طی همین چند روز کاملاً محقق می‌شد؛ هر چند به گفته مسئولان تا به امروز چیزی بیش از نیمی از این عدد از مرزهای تعیین شده خارج شده‌اند. به نظر با توجه به تجربه اربعین امسال و پیش‌بینی رشد استقبال از این پدیده در سال‌های آینده، تصمیم‌گیری به خصوص در ساحت تنظیم‌گری اربعین اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. حال سؤال جدی اینجاست این تنظیم‌گری چگونه و توسط چه جریان‌هایی انجام شود تا سازمان اربعین را از شکل مردمی‌اش خارج نکند؟ پرسشی که پاسخ آن را در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام حسین مهدی‌زاده، پژوهشگر فقه حکومتی و مسئول میز نظریه اجتماعی فرهنگستان علوم اسلامی قم پی گرفته‌ایم. پاسخ تفصیلی حجت‌الاسلام مهدی‌زاده به این پرسش را در ادامه می‌خوانید.

■ ورود به مرحله جدیدی از تنظیم‌گری اربعین

پیش از این با مقیاس‌های خیلی کوچک‌تر از این در اربعین شرکت کردیم؛ مقیاس‌های کوچک اصلاً لوازم و شرایطشان فرق می‌کند. در حوزه علوم اجتماعی این بحث مطرح است وقتی کمیت‌ها آن‌قدر بزرگ‌تر می‌شوند که کیفیت تغییر می‌کند باید کلاً نحوه مطالعه و نگاهمان عوض شود و با سطح دیگری از تدبیر با آن قضیه روبه‌رو شویم. از امسال وارد رابطه جدیدی در زمینه اربعین شدیم. پیش از این، دریک دهه گذشته ما میهمان اربعین بودیم، یعنی این‌قدر جمعیت کم بود که در همان روزهای منتهی به اربعین می‌رفتیم. رفته رفته این جمعیت بیشتر شد تا اینکه به ۳میلیون نفر رسید که در بازه زمانی بیش از ۴۰ روز آماده می‌شدند و به این سفر می‌رفتند. جمعیتی که بیش‌شدنش در فضای کلی زیارت عراق، کار سختی را ایجاد نمی‌کرد. از امسال تصمیم گرفته شد ایرانی‌ها با جمعیت ۸میلیونی شرکت کنند اما عملاً مرز عراق توان اینکه این ۸میلیون نفر را در بازه زمانی پوشش دهد، نداشتند. نخستین سطحی که این مسئله خودش را نشان داد، حوزه حمل و نقل بود. به همین منظور برای اینکه این ۸میلیون نفر به عراق بروند مجبور شدیم مرز را از چندین مرز وارد عراق کنیم. نخستین مسئله این است که با این حجم از جمعیت، میزبان بدون اینکه خودمان در فرایند این سفر وضرورت معنوی‌اش آن‌ها همکار شویم، توان مدیریت حضور را ندارد. این یک نکته بسیار مهم است که نشان می‌دهد داریم وارد مرحله جدیدی می‌شویم. در این زمینه نیز ما چه به عنوان کسانی که می‌خواهند در مورد کیفیت مشارکت کنند یا فقط گسترده‌ای که مدرنیته برای شبکه‌سازی انسان‌ها ارائه می‌دهد، این کار را انجام می‌دهد، به عبارت دیگر آن‌جا یک نوع دانش ضمنی برای شبکه‌سازی دارند که متفاوت از شبکه در جهان مدرن است.

■ سؤال مهم «لاتور»

برای درک اهمیت این موضوع باید بدانیم از موضوعات مورد علاقه علوم اجتماعی در سال‌های اخیر ایجاد جهان شبکه‌ای و عمومی و اجتماعی کردن قدرت است. در همین دهه۹۰ یکی از اندیشمندان علوم اجتماعی غرب به اسم برونو لاتور که پروژه‌اش جامعه شبکه‌ای است به ایران و شهر قم آمد و تلاش کرد این مسئله را بپرسد که آیا نظریه‌ای برای تشکیل جامعه بدون نیاز به مرکز آفرینش‌گرای مدرن یا استیلاگر سنتی وجود دارد یا خیر؟

لاتور درسی گزارش سفرایش به ایران، یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایش همین بود که شما شیعیان یکی از معدود شبکه‌هایی هستید که به‌اصطلاح‌بی‌سر(در حالی که امامتان غایب است یا با سرباز متفکری چون مرجعیت) تا اینجا آمده‌اید، می‌توانید این نظریه سازمانی خودتان را توضیح دهید یا خیر؟ متأسفانه دغدغه و مسئله او فهم نشد و لاتور از ایران رفت و بعداً جوان‌های زیادی نوشتند چرا گفت‌وگوی خوبی بین ما و لاتور شکل نگرفت. من فکر می‌کنم یکی از مهم‌ترین دلایلش این بود که ما متوجه سؤال او نشدیم.

یک علتش نیز این است متأسفانه ما و بیشتر از ما شیعیان عراق، از لحاظ نظم اجتماعی دلبسته اقتدار مدرن هستیم. نشانه آن هم همین بیانیه‌ای است که مفتدی صدر امسال پس از کناره‌گیری از همه قدرت‌ها، منتشر کرد. او نامه‌ای خطاب به مردم در آن در امروز اربعین با فارسی منتشر کرد و در آن از ما مردم ایران خواسته بود قانون تنظیم‌گری و رگلاتوری اربعین مسئله بسیار مهمی است که اگر درست اتفاق نیفتد، می‌تواند اربعین را از محتوا و معنای اصلی خودش، خالی و ما را با یک صورت خالی شده از معنا رها کند. این منظور در ابتدا باید بپیسیم ساختاری که این منظور در این سال‌های اخیر که راهپیمایی اربعین پیاده‌روی بیشتر شد همراه با کاروانی با هواپیما به نجف رفتم. در کوله‌پشتی خود دفترچه‌ای بود و فرصت داشتم در ساعاتی که بقیه کاروان در خواب بودند، حس و حال خودم را از این راهپیمایی بنویسم و در طول چند روزی که مسیر بودیم مطالب اصلی کتاب نوشته شد. این کتاب یک سفرنامه معمولی نیست زیرا بسیاری از سفرنامه‌ها شرح وقایع سفر از جمله اینکه چه‌خوردیم و چه کردیم و چه ساعتی فرود آمدیم است، اما کتاب من، سفرنامه‌ای به آن معنا نیست بلکه یک نوع معناشناسی از دین و راهپیمایی اربعین است.

■ حفاظت از گزند دولتی شدن

یکی از نکاتی که می‌خواهم پیشنهاد دهم تا اربعین از گزند دولتی شدن و سازمان مقتدر مرکزی مدرن خلاص بماند، این است ما شیعیان در تأمین مالی اربعین شروع به مشارکت کرده و از سازمان احسان و مواسات برای مشارکت در اربعین استفاده کنیم. یعنی همان‌طور که مردم عراق دارند هزینه می‌کنند و از مال و جان و آبروی‌شان هر چه در توان دارند، می‌گذارند ما مردم ایران هم به اندازه یک هفته‌ای که در عراق هستیم، در طول سال پول کنار بگذاریم. سپس این پول‌ها را وارد سیستم اربعین کنیم و به شکل احسان و نه دستمزد در اختیار موکب‌ها و کسانی که به شکل مردمی در حال مدیریت و سازماندهی اربعین هستند قرار دهیم و خودمان هزینه اربعین را بدهیم. اگر خودمان هزینه اربعین را ندهیم، هر کسی که هزینه اربعین را بدهد، نظریه و سازمان او در اربعین حاکم می‌شود. اگر می‌خواهیم نظریه شبکه‌های خودجوش و بدون رأس مرکزی که رفتار مردمی از این جنس است را در سازمان اربعین حفظ کنیم باید تأمین مالی‌اش را ولاً خود ما مردم برعهده بگیریم و دوم آن را در قالب یک سازمان نابازار حفظ کنیم و این پول را به عنوان دستمزد قرار ندهیم و کسی را به عنوان پیمانکار برای این ماموریت‌ها نگیریم. این رفتار سبب می‌شود سازمان اجتماعی اربعین بتواند تأمین مالی خودش را حفظ کند و مجبور نشود به بهانه تأمین هزینه‌ها سراغ سازمان‌هایی از غیرجنس خودش مثل سازمان دولت و پیمانکارهای بخش خصوصی برود.

باید از نظریه شبکه‌ای خاصی که در اربعین وجود دارد و ما ایرانی‌ها حتی بیشتر از عراقی‌ها آن را کشف کرده‌ایم، به‌شدت صیانت کنیم. این یکی از نظریات پیشرو برای ساخت آینده است هرچند هنوز اهمیت این سازمان از لحاظ دولت و جامعه و بازار کشف نشده ولی این نظریه از نظر سازماندهی یکی از دارایی‌های مهم ما در مواجهه با اتفاقات دهه‌های آینده است. بنابراین نباید اجازه داد این سازمان مثل حج عربستان ضد شود و تمام ارتباطات ما هم‌دیگر توسط یک طاغوت طرفدار آمریکا که هزینه توسعه آمریکا را هم می‌دهد، کنترل شود.

به نظر ما به توجه به اتفاقات امسال، از حالا به بعد ما به صورت جدی وارد رگلاتوری و تنظیم اربعین خواهیم شد اما مسئله مهم این است باید تلاش کنیم سازمان مردمی اربعین را به ایران بکشانیم و در فرایندهای مختلف بازسازی کنیم و اگر فرض می‌کنیم در این صورت نسبت به عراقی‌ها چیزهایی بیشتر از اربعین فهمیده‌ایم، تلاش کنیم عرصه‌هایی که در اربعین مدیریت نشده را مدیریت کنیم که یکی از آن‌ها شیوه تأمین مالی برای اجرایی است که سبب می‌شود اجزای نهادهای بازاری پایشان به اربعین کشیده شود. باید پاهای آن‌ها را از طریق نهادهای تأمین مالی احسان و مواسات وارد کنیم، حتی جایی که عراق نتوانسته، هر چند ما الگوی اولیه را از دست عراقی‌ها گرفته باشیم. عراقی‌ها در این حرکت، الهام‌بخش ما و به مثابه دشمن ضمنی هستند که سعی می‌کنیم آن‌ها را تبدیل به دانش رسمی کنیم و به جای‌های دیگر ببریم.

■ تنظیم‌گری اربعین

به هر ترتیب با ورود ۸میلیون زائر و بیشتر از آن -که احتمالاً این رویه عددی بسیار بالاتر از این ۵ میلیون محقق می‌شد- ما مجبوریم بحث رگلاتوری اربعین در دیگر ایران را فعال کنیم.

تا کنون فقط دولتمان عمل نکرد تا مرز را مدیریت می‌کرد ولی از الان به بعد کم‌کم ما نیز باید برای درک اهمیت این موضوع باید ریشه‌یابی و واکاوی شود. در سطح نخست ارتباط این راهپیمایی با انقلاب اسلامی و سپس ارتباط راهپیمایی و انقلاب اسلامی با قیام سیدالشهدا. یعنی در واقع در این کتاب تلاش کردم یک ساختمان سه طبقه را روی هم بنا کنم که سطح بالای آن راهپیمایی است.

من این راهپیمایی را یک صورت در نظر گرفتم و تلاش کردم معنای پنهان و آشکار پشت این صورت را باز کنم. همه این‌ها اجزای یک منظومه فکری است. یعنی مطالب موزائیک‌وار طرح نشده بلکه تار و پود فرشی است که می‌خواهد نقشی را بیان کند.

این کتاب دارای یک پیشگفتار کوتاه و پنج فصل اصلی است. اسم این کتاب را از تذکرة‌الاولیای عطار وام گرفتم؛ کسانی که با ادبیات عرفانی آشنا باشند می‌دانند یکی از مهم‌ترین کتاب‌های زبان فارسی در اواخر قرن ۷ هجری قمری، تذکرة‌الاولیای عطار است که نثر فارسی پر تپشی دارد و آن عشق و شور عرفانی در قلم عطار موج می‌زند. ضمن اینکه مرجعی در ادبیات عرفانی نیز محسوب می‌شود.

من یک پایان احساسی درباره پدیده‌ای که فقط تصویرش را از تلویزیون و فضای مجازی دیده بودم نوشتم. اما در سفری که داشتم شهود و حضوری که پیدا کردم سبب شد حال

عجیبی به من دست دهد.

در پس ذهن یک تاریخ حدود ۸۰ساله از عاشورا دارم و می‌توانم معنای اتفاقی را که به برکت انقلاب اسلامی رخ داده به خوبی درک کنم. پس از انقلاب تحول مثبتی رخ داده و این تحول گفتمان ذلت و غمپروری مسلط بر عزاداری سید الشهدا(ع) را به گفتمان عزت تبدیل کرد. پس از انقلاب گفتمان ذلت به گفتمان عزت تبدیل شد و این عزتمند شدن در عاشورا چیزی نیست که امام خمینی(ره) از آن بیرون آورده باشد و به محرم وصل کرده باشد بلکه از دورن خود اسلام و انقلاب به وجود آمده است.

امام خمینی(ره) نیامد تجربه‌ای را از انقلاب‌ها یا مکتب‌های غیردینی قرض بگیرد و به حرکت امام حسین(ع) وصل کند. امام خمینی(ره) که این سال‌ها روی این آتش را گرفته بود فوت کرد و اجازه داد آتش زیر آن شعله‌ور شود.

برش

بی گمان شیعیان ما دل هایشان از هر خیانت، کینه و فریبکاری پاک است.

دیدگاه

در مرز گرد «مکتوب‌سازی تجربه پیاده‌روی اربعین»؛ چرایی و چگونگی «مطرح شد»

بازسازی حافظه‌جمعی شیعه در اربعین

پیاده‌روی اربعین در عراق به عنوان نماد یک آیین دینی تأثیرات شگرفی داشته و البته چند سالی است پژوهش‌ها درباره آن جدی‌تر شده است. در همین راستا خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در نشستی «مکتوب‌سازی تجربه پیاده‌روی اربعین؛ چرایی و چگونگی» را مورد بررسی قرار داده است. گزیده‌ای از دیدگاه ارائه شده توسط زهرا روح‌الامین در این نشست را از نظر می‌گذرانید.

روح‌الامین در خصوص چرایی مستندسازی پیاده‌روی اربعین می‌گوید: اجازه دهید درباره مفهومی به نام سواد تاریخی صحبت کنم که در ایران مغفول مانده است. سواد تاریخی نه تنها یادگیری رخدادهای تاریخی را دربردارد بلکه تقویت توانایی استدلال‌پذیری روایت‌های تفسیری تاریخی را در اولویت قرار می‌دهد تا بتواند سواد علمی افراد را پرورش دهد. درواقع سواد تاریخی، افراد را قادر می‌سازد رویدادها را در یک «تصویر بزرگ‌تر» ببینند که به‌نوبه خود به آن‌ها کمک می‌کند از بربن‌یابی تکه‌تکه‌ای از گذشته، بسیار فراتر روند.

من پیاده‌روی اربعین را میدان هم‌سرایی سواد تاریخی شیعی می‌دانم. شیعه چند مقطع مهم دارد که یکی از آن‌ها کربلاست. کربلایی که مطرح می‌کنم یعنی ۱۰ روز پیش از عاشورا تا ۴۰ روز پس از عاشورا. جمعیتی که بازار کشف نشده ولی این نظریه از نظر سازماندهی یکی از دارایی‌های مهم ما در مواجهه با اتفاقات دهه‌های آینده است. بنابراین نباید اجازه داد این سازمان مثل حج عربستان ضد شود و تمام ارتباطات ما هم‌دیگر توسط یک طاغوت طرفدار آمریکا که هزینه توسعه آمریکا را هم می‌دهد، کنترل شود.

به نظر ما به توجه به اتفاقات امسال، از حالا به بعد ما به صورت جدی وارد رگلاتوری و تنظیم اربعین خواهیم شد اما مسئله مهم این است باید تلاش کنیم سازمان مردمی اربعین را به ایران بکشانیم و در فرایندهای مختلف بازسازی کنیم و اگر فرض می‌کنیم در این صورت نسبت به عراقی‌ها چیزهایی بیشتر از اربعین فهمیده‌ایم، تلاش کنیم عرصه‌هایی که در اربعین مدیریت نشده را مدیریت کنیم که یکی از آن‌ها شیوه تأمین مالی برای اجرایی است که سبب می‌شود اجزای نهادهای بازاری پایشان به اربعین کشیده شود. باید پاهای آن‌ها را از طریق نهادهای تأمین مالی احسان و مواسات وارد کنیم، حتی جایی که عراق نتوانسته، هر چند ما الگوی اولیه را از دست عراقی‌ها گرفته باشیم. عراقی‌ها در این حرکت، الهام‌بخش ما و به مثابه دشمن ضمنی هستند که سعی می‌کنیم آن‌ها را تبدیل به دانش رسمی کنیم و به جای‌های دیگر ببریم.

■ مشارکت زائران اربعین در حافظه جمعی شیعه

نتیجه سواد تاریخی، تعمیق حافظه جمعی است. در آیین پیاده‌روی اربعین به صورت جدیدی این حافظه‌جمعی بازسازی می‌شود. تلاش و جهاد امام و یاران دوباره روایت می‌شود، ظلم و ظلم‌ناپذیری مرور می‌شود، مصائب به صورت جمعی و مصرور می‌شود. این آیین علاوه بر آنکه به شرکت‌کنندگان در آن پیاده‌روی تأثیر می‌گذارد افراد دیگری را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. افراد و خاندان‌ها از آنکه شرکت کردن در این حافظه تاریخی شریک می‌شوند، مصرف‌کننده‌گان رسانه‌ای این آیین هم در این مسیر به صورت مجدد در این بازسازی حافظه تاریخی شریک می‌شوند.

اما آنانی که با فرهنگ شیعی سر سازش ندارند هم در این زمینه آغازیه بازسازی حافظه‌جمعی شیعی می‌کنند. در واقع نوع فضای ذهنی که ما در خصوص واقعه کربلا داریم در مسیر اربعین و بازنمایی‌اش آن‌گونه که می‌خواهیم عینی تبدیل می‌شود. بشر هم تمایل به عینی‌گرایی دارد. در دوران تمدن جدید هم عین‌گرایی اهمیت پیدا کرده است. پس از این نظر هم پیاده‌روی اربعین امر مهمی را رقم می‌زند که همان عینی شدن واقعه‌ای است که فاطمه تاریخی با آن داریم. پیاده‌روی اربعین بازسازی تاریخی‌ای شیعی است. شیوه‌ای شیعی در طول تاریخ بوده است. اما اینجا به مسئله مهمی می‌رسد. آن هم نه با جنگ، که قدم‌ها با صلح برداشته می‌شود. تاریخ به صورت معمول هم در آن دوز سخن می‌گوید. کربلا علاوه بر دور بودن تاریخی، دور بودن جغرافیایی هم دارد. این دور بودن همین طور گونه‌ای اضطرار ذهنی هم برای ما شیعیان دارد. یعنی ما از امام در هستیم. پیاده‌روی اربعین همه این موارد را درگیر می‌کند. گویی تاریخ در پیاده‌روی اربعین بیشتر روایت داشته باشیم، هم به توصیف درست و دقیق و هم به سواد تاریخی - از دیدگاه منظر من- نزدیک‌تر می‌شویم.

■ نسبت سواد تاریخی با پیاده‌روی اربعین

روح‌الامین در خصوص نسبت سواد تاریخی ما با پیاده‌روی اربعین نیز می‌گوید: فراموش نکنیم ۲۰سال پیش اسم چنین پدیده‌ای را اصلاً نمی‌شنیدیم. بخشی از آن به ابعاد رسانه‌ای برمی‌گردد ولی بخشی هم مربوط به حکومتی است که در عراق بوده که مانع پیاده‌روی اربعین بود. دوره‌ای که صدام از پیاده‌روی زائران ممانعت می‌کرده، زائران از وسط نخلستان‌ها می‌گذشتند به‌دلیل مسائل امنیتی، در روز معمولاً استراحت می‌کردند و پنهان می‌شدند و شبها حرکت می‌کردند. آز زمان صدام تهدید کرده بود اگر کسی به این زائران خدمت‌رسانی کند، دفعه اول دو پای او قطع و بار دوم اعدام می‌شود، بر اثر همین مسئله، بسیاری از این خادمان شکنجه شدند، خانه‌های عده‌ای را خراب کردند و خودشان هم اعدام شدند.

نباید گذشته پیاده‌روی اربعین را فراموش کنیم و باوجود دین‌زدایی و نگاه‌هایی که علیه امام حسین(ع) و جریان عاشوراست، این حرکت همچنان جوشان است. این جوشش پس از یک دوره خاموشی و کوشش مردم عراق پس از یک دوره خودداری بسیار با اهمیت است و باید ثبت و ضبط شود. در عین اینکه مردم عراق حتماً ثروتمند نیستند که در مسیر پذیرای زائران باشند. حال چرا گویم همه‌چیز را نمی‌گویم؟ بقیه هم خودشان را به این مس

من علامات الفقه الحلم و العلم و الصمت

از نشانه های فقاهت، بردباری و دانش و خاموشی است.

قرارگاه مردمی «نجمه خاتون» میزبان زائران دهه آخر صفر

خبر امروز

در روزهایی که مشهدالرضا(ع) مهیای حضور پرشور زائران دهه آخر صفر می‌شود، مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی قرارگاه مردمی «نجمه خاتون» را برپا کرده تا با پشتیبانی از گروه‌ها و مجموعه‌های بانوان شهر مشهد، شرایط میزبانی شایسته از خیل زائران را فراهم کند. مراسم آغاز فعالیت این قرارگاه دیروز با حضور معاون هماهنگی مدیریت امور زائران استانداری خراسان رضوی و ۷۰ نفر از بانوان فعال فرهنگی اجتماعی مشهد از حوزه‌های علمیه خواهران، سازمان تبلیغات، دفتر تبلیغات، امور مساجد و بسیج جامعه زنان در باغ‌خاتون برگزار شد. این قرارگاه مردمی نیز با شعار محوری «همه خادم‌الرضاییم» فعالیت خواهد کرد و مسئولیت پشتیبانی از گروه‌ها و مجموعه‌های بانوان در مشهد را بر عهده خواهد داشت. دژبرد، مدیر مرکز امور بانوان و خانواده آستان قدس رضوی در این مراسم گفت: این قرارگاه وظیفه حمایت از خدمت‌رسانی در محلات و مساجد را بر عهده دارد و در همین راستا دبیرخانه‌هایی در ۱۳ منطقه و ۱۷۰ محله شهر مشهد تشکیل شده است. علاوه بر این امکاناتی نیز در باغ اردوگاه خاتون به منظور ارائه خدمات هر چه بهتر به زائران فراهم آمده است.

سلامت

افتتاح مرکز سبک زندگی سالم رضوی

با هدف ارتقای سلامت و تندرستی در جامعه، با همکاری بیمارستان فوق تخصصی رضوی، مرکز سبک زندگی سالم رضوی در مؤسسه تربیت بدنی بنیاد کرامت افتتاح شد. دهه کرامت سال گذشته بود که کلینیک سبک زندگی سالم افتتاح شد و حالا با ارتقای امکانات و خدمات تخصصی، این کلینیک به یک مرکز تخصصی تبدیل شده تا خدمات بیشتری را به جامعه گسترده‌تری از علاقه‌مندان ارائه کند. این مرکز که به تجهیزات کامل مانند دستگاه‌های آنالیز ترکیبات بدنی، نوار قلب، آنالیز پاسچر و... مجهز است برای تمامی گروه‌های سنی از کودکان تا سالمندان برنامه‌های متناسب اختصاصی خواهد داشت و متخصصان حاضر در آن، به طور کامل بر روند تدوین و اجرای برنامه‌ها نظارت خواهند کرد.

آموزه‌های عاشورا، دستمایه نخستین قیام شیعیان عراق علیه رژیم بعث

«انتفاضه اربعین» چگونه شکل گرفت؟

گزیده

با فرا رسیدن سال ۱۳۵۴ شمسی بر اختناق موجود افزوده شد. حالا رژیم بعث قصد داشت پیاده‌روی اربعین را تعطیل کند؛ سنتی که سال‌ها بود در اربعین حسینی به اجرا درمی‌آمد. مأموران مانع هر اقدامی شدند؛ خودروها تفتیش و وسایل عزاداری توقیف می‌شد.

محمد حسین نیکبخت

سیل جمعیت از هر سو به طرف کربلا روانه است؛ امسال زائرانی که می‌خواهند در پیاده‌روی اربعین شرکت کنند، خیلی بیشتر از سال‌های دیگر هستند. همه آمده‌اند، زن و مرد و کودک، پیر و جوان، از هر نژاد و ملیت، تا معنای «حبّ الحسین(ع) یجمعنا» را عینیت ببخشند. اما پیاده‌روی اربعین، این سنت سراسر شور و شعور، از زمان شکل گرفتن آن تا امروز، همیشه این قدر بی‌واهمه برگزار نشده است. شاید خیلی‌ها ندانند که در دوران استیلای رژیم بعث، پیاده‌روی اربعین جرمی نابخشودنی بود؛ زائران حسینی را به اعدام یا حبس ابد محکوم می‌کردند و شیعیان عراق خفقانی را در آن دوره تجربه کردند که فقط می‌شود مانندش را در دوره حکومت خلفای جائر اُموی و عباسی پیدا کرد. بهمن‌ماه سال ۱۳۵۵، سرانجام کاسه صبر شیعیان دلسوخته عراق لبریز شد و قیامی شکل گرفت که در تاریخ عراق از آن با عنوان «انتفاضه اربعین» یاد می‌شود؛ قیامی که هر چند با خشونت تمام و وحشی‌گری بعثی‌ها سرکوب شد، اما یادش در تاریخ ماند و به سند افتخار مردم مظلوم عراق تبدیل شد.

■ پیش‌زمینه‌های قیام

حزب بعث که در سال ۱۳۴۷ شمسی زمام امور را در عراق به دست گرفت، اصولاً میانه‌ای با دین و مذهب نداشت. تفکرات بعثی‌های عراق، آمیخته‌ای ناهمگون از پان‌عربیسم، سوسیالیسم و دیدگاه‌های اقتصادی غربی بود. آن‌ها دین را مانعی بر سر راه اجرای نقشه‌های سیاسی خود می‌دانستند. به همین دلیل بلافاصله پس از روی کار آمدن این حزب در عراق، برنامه محدود کردن فعالیت‌های مذهبی به خصوص برای شیعیان که سر سازش با بعثی‌ها نداشتند، به مرحله اجرا درآمد. در سال ۱۳۴۸ شمسی این محدودیت‌ها شامل برنامه عزاداری عمومی ماه‌های محرم و صفر که از عمده‌ترین فعالیت‌های مذهبی شیعیان بود هم شد. بعثی‌ها تا سال ۱۳۵۱ شمسی عملاً عزاداری‌ها را به حسینیه‌ها محدود کردند و به شیعیان اجازه راه انداختن دسته و عزاداری عمومی نمی‌دادند. با فرا رسیدن سال ۱۳۵۴ شمسی بر اختناق موجود افزوده شد. حالا رژیم بعث قصد داشت پیاده‌روی اربعین را تعطیل کند؛ سنتی که سال‌ها بود در اربعین حسینی به اجرا درمی‌آمد. مأموران مانع هر اقدامی شدند؛ خودروها تفتیش و وسایل عزاداری توقیف می‌شد. به این ترتیب در سال ۱۳۵۴ شمسی پیاده‌روی اربعین را عملاً تعطیل کردند اما مردم عراق و به ویژه شیعیان به دلیل دلبستگی فراوان به سیدالشهدا(ع) و پیاده‌روی اربعین حاضر نبودند دست از این عمل عبادی که ماهیت آن تجدید عهد با قیام امام حسین(ع) بود، بردارند.

■ پیاده‌روی برای قیام

به همین دلیل در دهه نخست ماه محرم سال ۱۳۹۷ قمری / بهمن ماه ۱۳۵۵ گروهی از شیعیان مقیم نجف اشرف تصمیم گرفتند راهپیمایی اربعین را به هر قیمتی برگزار کنند. آن‌ها پس از مشورت با علمای بزرگی همچون شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر هر تردیدی را کنار گذاشتند و آماده برگزاری مراسم شدند. ۱۵ صفر سال ۱۳۹۷، زمان آغاز این پیاده‌روی تاریخی اعلام شد. در این روز، هزاران نفر از شیعیان دلسوخته در صحن حرم امیرمؤمنان(ع) گرد هم آمدند و ساعتی بعد، حرکت آن‌ها به سوی کربلا آغاز شد. این اقدام در واقع نوعی انقلاب در برابر رویکردهای ضددینی رژیم بعث بود. نیروهای نظامی بعثی در ۱۰ کیلومتری نجف، راه زائران را سد کردند اما نتوانستند در برابر خیل عظیم زائران مقاومت کنند. به همین دلیل با دستور صدام که در آن زمان معاون رئیس‌جمهور رژیم بعث بود، واحدهای مجهز زرهی در ۵۰ کیلومتری کربلا مستقر شدند. تلاقی زائران با این واحدها، مقاومتی خونین را رقم زد. ۱۶ نفر از زائران امام حسین(ع) هدف گلوله مستقیم قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. صدها نفر زخمی و بیش از ۴ هزار نفر بازداشت شدند. هشت نفر از این بازداشتی‌ها را بدون محاکمه و به سرعت تیرباران کردند و برای ۱۶ نفر از آن‌ها، حکم حبس ابد صادر شد. با این حال، زائران اربعین متوقف نشدند و به مسیر خود تا رسیدن به کربلا ادامه دادند و در زمان مقرر به این شهر مقدس رسیدند؛ در واقع راهپیمایی اربعین با وجود شهادت مظلومانه تعدادی از زائران و بازداشت تعداد زیادی از آن‌ها، با موفقیت به انجام رسید. در پی این اقدام، رژیم بعث به سرکوب گسترده شیعیان رو آورد و برخی علمای بزرگ شیعه مانند علامه سیدمرتضی عسگری ناچار شدند از عراق خارج شوند. امام خمینی(ره) که در این زمان، دوران تبعید را در نجف اشرف سپری می‌کرد، به تأیید این راهپیمایی پرداخت و مراجع و علمای نامداری همچون شهید صدر، بیانیه‌هایی در تقویت این اقدام صادر کردند. حتی شهید آیت‌الله سید محمدباقر حکیم، شخصاً با راهپیمایان همراه شد و تا پایان مسیر همراه آن‌ها ماند. راهپیمایی اربعین سال ۱۳۹۷ قمری در تاریخ عراق به انتفاضه اربعین مشهور شده است؛ این اقدام، نخستین مقاومت مردم عراق در برابر رژیم بعث با اتکا به آموزه‌های حسینی و عشق به اباعبدالله(ع) بود.

آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیات مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک بجنورد مورد رسیدگی و تائید قرار گرفته جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیرالانتشار و محلی) بشرح ذیل آگهی می گردد:
بخش دو بجنورد پلاک ۱۶۹-اصلی اراضی صدرآباد
۱-شنشدانگ یکباب ساختمان از پلاک شماره ۱۸۹۰ فرعی از ۱۶۹ اصلی فوق به مساحت ۱۱۶/۶۰ مترمربع ابتیاعی آقای محمد واحدی از محل مالکیت رسمی طاهره عوض نیا برابر رای شماره ۱۸۵۶-۱۴۰۱ مورخه ۱۴۰۱/۰۵/۲۷-کلاسه ۰۵۲۴-۱۴۰۰ لذا بدینوسیله به فروشندگان ومالکین مشاعی و اشخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ می گردد چنانچه اعتراضی دارندبایداز تاریخ انتشار آگهی و در روستاهااز تاریخ الصاق درمحل تا دوماه اعتراض خود رابه اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسیداخذ نمایندمعترضین باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایندوگواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهنددرصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگرددیامعترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهدنمودضمناصدورسندمالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهدبود.شناسه آگهی ۱۳۷۵۹۴۵ آ-۴۰۱۰۷۹۵۵
تاریخ انتشارنوبت اول ۱۴۰۱/۰۶/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۱/۰۷/۰۶
اکبر اقبالی -رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد

آگهی مزایده اموال غیر منقول(رهنی)کلاسه ۱۴۰۰۰۰۲۴۶

به موجب پرونده اجرائی کلاسه فوق له:بانک تجارت درگز علیه:آقای احمد قلی نژاد مدلول سند رهنی شماره ۷۷۵۰،تاریخ سند:۱۳۹۷/۰۴/۰۵ ۶ دانگ یک واحد آپارتمان پلاک ۶۶۵۱ فرعی از ۲۲ اصلی(پلاک شش هزار و ششصد و پنجاه و یک فرعی از بیست و دو اصلی) بخش ۰۷ قوچان به مساحت ۱۳۱/۸۴ متر مربع بشماره چاپی ۳۱۳۲۳سری الف سال ۹۴ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۶۰۱۷۰۰۰۴۴۸ به نام آقای احمد قلی نژاد فرزند قربان محمد شماره شناسنامه ۷۷۰۱۱۰۰۷۳۸ تاریخ تولد ۱۳۷۱/۰۹/۲۵ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم گردیده است و برابر سند رهنی شماره ۷۷۵۰ مورخ۱۳۹۷/۰۴/۰۵ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲ شهر درگز استان خراسان رضوی که بنفع بانک تجارت به مبلغ ۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰ریال به مدت ۲۴ ماه ثبت شده و طبق نظر کارشناس رسمی به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (پنج میلیارد و صد میلیون ریال)ارزیابی شده و پلاک فوق به نشانی بلوار امام رضا ۲۳ فرعی اول سمت راست پلاک ۹ ششدانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی واقع در ساختمان تجاری مسکونی دارای دو واحد مسکونی و پنج واحد تجاری به صورت اسکلت فلزی و سقف طاق ضربی به قدمت ۱۹ سال و فاقد نما می باشد. پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۳۰ در اداره ثبت اسناد و املاک درگز واقع در شهرک فرهنگیان نبش امام رضا(ع)۷ از طریق مزایده به فروش می رسد.مزایده از مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا"فروخته می شود. لازم به ذکر است پرداخت بدیهی های مربوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشعاب و حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز درصورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقدا"وصول می گردد.ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. آ-۴۰۱۰۷۹۵۶
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک درگز ناصر حسن زاده

اداره کل ثبت اسناد واملاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیات موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۱۷۴۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۶ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غلام سلطان کریم زاده مطلق فرزند عبدالرحیم بشماره شناسنامه ۳۵ صادره از بیرجند در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۱۱.۸۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۳۹۶-اصلی واقع در خراسان جنوبی بخش دو حوزه ثبت ملک بیرجند از محل مالکیت حسین دستیگردی محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود رابه این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ-۴۰۱۰۷۹۶۱
تاریخ انتشار نوبت اول : دوشنبه ۱۴۰۱/۰۶/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : چهار شنبه ۱۴۰۱/۰۷/۰۶
حسین براتی -رئیس ثبت اسناد و املاک بیرجند

اداره کل ثبت اسناد واملاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیات موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۱۷۶۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حبیب اله اصغری فرزند غلام بشماره شناسنامه ۱۲ صادره از خوسف در ششدانگ یکباب محوطه مشتمل بر ساختمان به مساحت ۱۶۱.۳۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۴۷-اصلی واقع در خراسان جنوبی بخش دو حوزه ثبت ملک بیرجند از محل مالکیت امیر رضا و امیر حسام خزیمه محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود رابه این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ-۴۰۱۰۷۹۶۲
تاریخ انتشار نوبت اول : دوشنبه ۱۴۰۱/۰۶/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : چهار شنبه ۱۴۰۱/۰۷/۰۶
حسین براتی -رئیس ثبت اسناد و املاک بیرجند

اداره کل ثبت اسناد واملاک خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیات موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۱۷۶۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای معین محمودی فرزند محمود رضا بشماره شناسنامه ۶۱۹۸ در ششدانگ یکباب منزل مسکونی به مساحت ۱۱۸.۸۹ مترمربع قسمتی از پلاک۲۲۷ -اصلی واقع در خراسان جنوبی بخش دو حوزه ثبت ملک بیرجند از محل مالکیت ورثه محمد میابادی محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود رابه این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ-۴۰۱۰۷۹۶۳
تاریخ انتشار نوبت اول : دوشنبه ۱۴۰۱/۰۶/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۷/۰۶
حسین براتی -رئیس ثبت اسناد و املاک بیرجند

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای غلامحسن اله دادی دارای شناسنامه شماره ۶ و کد ملی ۰۷۴۹۶۶۷۹۰۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۰۱۰۰۲۶۸ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمد اله دادی به شناسنامه ۲۹ در تاریخ ۱۳۱۰.۷.۵ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به :
۱.غلام حسن اله دادی فرزند محمد به ش ش ۶ و کد ملی ۰۷۴۹۶۶۷۹۰۷ نسبت فرزند ۲.حلیمه اله دادی فرزند محمد به ش ش ۲ و کد ملی ۰۷۴۹۶۵۵۰۷۰ نسبت فرزند ۳.معصومه اله دادی فرزند محمد به ش ش ۱۷۶۴ با کد ملی ۰۷۳۱۳۱۶۴۶۰ نسبت فرزند ۴.مهناز اله دادی فرزند محمد با ش ش ۵۴۵ با کد ملی ۰۷۴۹۲۶۸۹۸۰ نسبت فرزند ۵.خورشید اله دادی فرزند محمد به ش ش ۳۲۶ و کد ملی ۰۷۴۹۲۶۶۶۹۴ نسبت فرزند ۶.غلام حسین اله دادی فرزند محمد به ش ش ۱۹۹ با کد ملی ۰۷۴۹۲۶۵۴۲۶ نسبت فرزند
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الاگواهی صادر خواهد شد. آ-۴۰۱۰۷۹۶۴
شورا - شعبه اول شورای حل اختلاف شهرستان باخرز-مهربان

((صورت مجلس افرازی شش دانگ پلاک ۴۷۷۲-فرعی از یک-اصلی بخش۶مشهد))

احتراما در اجرای دستور ۱۴۰۱/۷۱۸۵ مورخه ۱۴۰۱/۳/۹ ریاست محترم اداره متبوعه ذیل درخواست خانم معصومه عباسیان مبنی بر افراز سهم خود از شش دانگ یک قطعه زمین بمساحت۶۸۶۹۴/۸۵مترمربع پلاک ۴۷۷۲ - فرعی از یک اصلی بخش ۶ مشهد برابر ضوابط مقرر در قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب آبان ماه ۵۷ و آیین نامه اجرایی آن، اینجانب کریم علی زاده نماینده و نقشه بردار ثبت طرقبه شاندیز پس از دعوت قبلی ازکلیه مالکین مشاعی به افراز برابرشماره ۱۴۰۱۸۵۶۰۶۰۰۸۰۰۴۳۹۹ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۸ موعد و زمان افراز به آنان در معیّت وکیل مالک افراز در محل وقوع ملک حاضر و پس از بازدید و معاینه محل و مطالعه محتویات پرونده ثبتی مربوطه و بررسی موضوع درخواست نامبرده مشخص گردید نسبت به ششدانگ پلاک فوق سندکاداستری صادروتسلیم گردیده است.و حال نامبرده با توجه به حصه تصرفی خود تقاضای افراز سهم مشاع خود در پلاک را نموده اند وشهرداری طرقبه برابرگواهی افراز شماره۱۴۰۰۰۹۳۰۰۰۶۹۰مورخ۱۴۰۰/۱۲/۱۱ومالک عرصه نیزبرابر نامه شماره ۱۴۰۱/۴۴۵- ۱۴۰۱/۱/۱۶ موافقت خوداراعلام داشته است و به موجب نامه شماره ۷۹۰۳- ۱۴۰۱/۶/۹ شهرداری طرقبه اعلام نموده است که سهم معبر افراز این پلاک در سهم مالکیت شهرداری می باشد ابتدا حدوداولیه وسپس حدودقطعه افرازی وباقیمانده بشرح ذیل تقدیم میگردد.
الـف) شـش دانگ یک قطعـه زمین مشـجرمحصورپلاک۴۷۷۲ – فرعی مجزی شـده از ۹فرعـی از یک اصلی بخش۶مشهد به مساحت (۶۸۶۹۴/۸۵) متر مربع شمالاً: در یازده قسمت اول مرزبست بطول (۴۰ / ۲۵) بیست وپنج متر و چهل سانتیمتر به کال نصوح آباد دوم مرزبست بطول (۷۷ / ۴۹) چهل ونه متر و هفتاد وهفت سانتیمتر به کال نصوح آباد سوم مرزبست بطول (۶۶ / ۲۴) بیست وچهار متر و شصت وشش سانتیمتر به کال نصوح آباد چهارم مرزبست بطول (۶۳ / ۳۳) سی وسه متر و شصت وسه سانتیمتر به کال نصوح آباد پنجم مرزبست بطول (۸۴ / ۴۳) چهل وسه متر و هشتاد وچهار سانتیمتر به کال نصوح آباد ششم مرزبست بطول (۱۸ / ۳۳) سی وسه متر و هجده سانتیمتر به کال نصوح آباد هفتم مرزبست بطول (۳۹ / ۲۲) بیست ودو متر و سی ونه سانتیمتر به کال نصوح آباد هشتم مرزبست بطول (۶۲ / ۲۶) بیست وشش متر و شصت ودو سانتیمتر به کال نصوح آباد نهم مرزبست بطول (۰۶ / ۳۳) سی وسه متر و شش سانتیمتر به کال نصوح آباد دهم مرزبست بطول (۸۶ / ۵۴) پنجاه وچهار متر و هشتاد وشش سانتیمتر به کال نصوح آباد یازدهم مرزبست بطول (۰۹ / ۳۷) سی وهفت متر و نه سانتیمتر به کال نصوح آباد شرقاً: (محدود است) بطول (۸۵ / ۵۰۹) پانصد ونه متر و هشتاد وپنج سانتیمتر به شماره ده فرعی جنوباً: در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود رابه این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ-۴۰۱۰۷۹۵۸
حجت نوبهاری-رئیس ثبت اسناد و املاک کلات نادر

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای جواد فدائیان خور دارای شناسنامه شماره ۵۵۳۹۹۸۰۷۴۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۵۵/۱۴۰۰ ش ز از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان رمضانعلی فدائیان خور به شناسنامه ۱۶۴۵ در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۷ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به :
۱- فاطمه عابدیان خور به شماره ملی ۵۵۳۹۶۹۵۵۵۰ همسر متوفی
۲- محبوبه فدائیان به ش م ۰۹۳۷۰۷۶۳۷۶ فرزند متوفی
۳- معصومه فدائیان به شماره ملی ۵۵۳۹۶۹۶۹۵۶ فرزند
۴- محمد فدائیان به شماره ملی ۵۵۳۹۸۸۹۱۱۸ فرزند
۵- جواد فدائیان به ش م ۵۵۳۹۹۸۰۷۴۳ فرزند
۶- حمید فدائیان به شماره ملی ۰۹۲۰۳۳۱۴۷۵ فرزند
۷- وحید فدائیان خور به شماره ملی ۵۵۳۰۰۱۹۸۲۱ فرزند
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. ./م آ-۴۰۱۰۷۹۲۳
از طرف قاضی شورا – شعبه ۷ زاوین شورای حل اختلاف شهرستان کلات

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم سکینه اسدی کلات برابر وکالتنامه شماره ۱۷۴۴-۱۴۰۱/۰۶/۱۲ دفتر یک وکالت وکالتا از طرف ام البنین هنرمند کلات و به استناد دو برگ استشهادیه گواهی شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده و مدعی است سند مالکیت ششدانگ پلاک ۴۰ فرعی از ۲-اصلی واقع در بخش ۱۷ مشهد که متعلق به ام البنین هنرمند کلات می باشد به علت نامعلومی مفقود گردیده است ، لذا با بررسی دفتر املاک مشخص گردید ششدانگ پلاک فوق به نام ام البنین هنرمند کلات ثبت و سند تک برگی به شماره ۹۱۲۰۰۴ سری الف سال ۰۰ صادر و تسلیم گردیده است . دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد . لذا به استناد تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می گردد و هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود است بایستی ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد . آ-۴۰۱۰۷۹۵۸
حجت نوبهاری-رئیس ثبت اسناد و املاک کلات نادر

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای محسن حاصل‌خواه رزینی دارای شناسنامه شماره ۰۹۴۱۴۴۳۸۱۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۰۱۰۰۵۰۰ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عبدالغفور حاصل‌خواه رزینی به شناسنامه ۵۷۴ در تاریخ ۱۴۰۱/۵/۲۳ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱- صدیقه عسکری- ۰۷۴۸۶۸۷۱۴۹- ۱۳۲۱/۵/۱۷- تایباد- همسر
۲- ناهید حاصل‌خواه- ۰۰۵۳۸۱۰۱۰۸- ۱۳۵۱/۹/۱۹- تهران- فرزند
۳- امیررضا حاصل‌خواه- ۰۰۵۱۷۱۷۸۵۹- ۱۳۴۶/۴/۴- تهران- فرزند
۴- محسن حاصل‌خواه رزینی- ۰۹۴۱۴۴۳۸۱۷- ۱۳۵۸/۴/۱۲- مشهد- فرزند
۵- محمد حاصل‌خواه رزینی- ۰۹۴۳۳۰۳۳۹۷- ۱۳۵۴/۶/۲- مشهد- فرزند
۶- امین رضا حاصل‌خواه- ۰۰۵۱۷۴۳۰۱۹- ۱۳۴۷/۳/۹- تهران- فرزند
۷- حمید حاصل‌خواه- ۰۰۵۱۸۵۰۳۲۱- ۱۳۴۹/۲/۳۱- تهران- فرزند
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. آ-۴۰۱۰۷۹۷۳
قاضی شورا- شعبه یک شورای حل اختلاف شهرستان تایباد- قنبر مرزانی

آگهی تحدید حدود اختصاصی واقع در بخش ۹ تبریز

آقای محمد اکرامی اصل ششدانگ یک باب ساختمان به پلاک ثبتی ۱۶۹۲۸ فرعی مفروزی از ۱۷۴ فرعی از ۱۴ اصلی واقع در گریه شادباد بخش ۹ تبریز.
لذا به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک به صاحبان املاک و مجاورین شماره های فوق الذکر به وسیله این آگهی اخطار می شود که در روز شنبه مورخه ۱۴۰۱/۷/۱۶ در ساعت ۱۰ صبح در محل حضور به هم رسانند و چنانچه صاحبان ملک یا نمایندگان قانونی آنها در موقع تحدید حدود حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک آنها با حدود اظهار شده از جانب مجاور تهدید خواهد شد مهلت اعتراض مجاورین و صاحبان املاک که در موقع تحدید حدود حاضر نبوده اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت تا ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت جلسه تحدید حدود خواهد شد و مطابق ماده ۸۶ آیین نامه اجرایی قانون ثبت اعتراض باید کتبی و مستقیماً به اداره ثبت اسناد و املاک تبریز تسلیم شود و معترض باید ظرف مدت یک ماه از تسلیم اعتراض به ثبت دادخواست به مراجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره تسلیم نماید و اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبت را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد. آ-۴۰۱۰۷۹۸۹
تاریخ انتشار ۱۴۰۱/۶/۲۱
غلامرضا عباس زاده مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه شرقی تبریز از طرف بابک کریم پور ریحان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه